

پدیده مهاجرت ملتها و راه حلها

مطالعه موردی: بخش کجور از شهرستان نوشهر

□ مجتبی پالوج

اشاره

بخش کجور به لحاظ تاریخی، بسیار کهن است و قدمت طولانی دارد. این بخش قسمتی از رستمدار و رویان قدیم است که به صورت ولایت مستقلی بین آمل و دیلم بود. کجور در طول تاریخ کهن خود، حکومت خاندانهای زیادی را تجربه کرده است. طی سالهای ۴۵ - ۱۰۰۶ هجری قمری، این منطقه به صورت حاکم‌نشین، محلی منتسب به خاندان ساسانی بوده و شهر «کجور» یا «رویان» به عنوان پایتخت، شهری آباد و در خور اهمیت محسوب می‌شده است. اولین حکومت شیعی مذهب در ایران به نام زیدیان طبرستان در این منطقه پایه‌گذاری گردید. پس از سال ۱۰۰۶ قمری با برچیده شدن حکومت‌های ملوک الطوائفی، این منطقه نیز استقلال نسبی خود را از دست داد و به علت موقعیت ویژه و نزدیکی اش به تهران بعد از صفویه دستخوش وقایع زیادی شد.^۱

بخش کجور حدود ۱/۲ میلیون هکتار وسعت دارد و در سلسله جبال مرکزی البرز میانی واقع شده و از تنوع شدید توپوگرافی برخوردار است و از کوه‌های بلند، تپه و دره‌های متعدد و دشتهایی که تعدادی از آنها نسبتاً وسیع هستند، تشکیل شده است.

اقتصاد کجور مبتنی بر کشاورزی و دامداری است و به صورت محدود، صنایع دستی نیز در آن دیده می‌شود. این بخش تاریخی به رغم قدمت بسیارش، دچار تحولات شگرفی شده است. هم‌اکنون کجور یکی از بخش‌های شهرستان نوشهر است و سه دهستان دارد. این بخش هم‌اکنون فاقد نقطه شهری است و محرومیتش کاملاً محرز و آشکار است. مهاجرت از این بخش شدید است.

با عنایت به مسائل و تبعات این پدیده، در صدد برآمدیم تا در این خصوص و به صورت موردی با رویکرد میدانی مطالعه‌ای انجام دهیم، به آن امید که مسئولان و دست‌اندرکاران با مرور آن، با وقوف بیشتر به رفع محرومیت از آن بپردازند.

چکیده

توسعه ملی و از طرفی ضرورت توجه به توسعه روستایی و ایجاد امکان برای روستاییان به عنوان جامعه مولد که ۴۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، اجتناب‌ناپذیر است. لذا آنچه در این بین بیش از هر چیز اهمیت دارد این است که پدیده‌ها را به درستی بشناسیم و تجزیه و تحلیل صحیح و جامعی نسبت به هر یک از پدیده‌ها از

رفع یا کاهش نارساییهای ملی و حل مشکلات در راستای اهداف مشخص توسعه چاره‌اندیشی شود. یکی از مهمترین مقوله‌هایی که می‌تواند تا حد زیاد نقشی کارساز و تعیین‌کننده در توسعه کشور داشته باشد و این پدیده را مهار کند یا حداقل کاهش دهد، توجه به توسعه روستایی است. استفاده از توانمندیهای جامعه روستایی در

مهاجرت پدیده‌ای چند وجهی به شمار می‌آید و از ابعاد مختلف قابل بررسی است. گرچه ممکن است از دیدگاه مهاجر، مهاجرت مثبت ارزیابی گردد، ولیکن برای دولت، شاید یکی از نارساییها و مشکلات مهم محسوب گردد. آثار مهاجرت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی کالبدی و فضایی کشور ایجاد می‌کند که برای

جمله مهاجرت ارائه دهیم. فقط توجه به مسایل فیزیکی نمی تواند از مهاجرت جلوگیری کند، بلکه باید در نگرشها هم تحول ایجاد شود. به فعلیت رسیدن ظرفیتهای انسانی و توجه به توسعه انسانی در روستاها باید مد نظر قرار گیرد و در ساختارها دگرگونی ایجاد شود. برای مثال، ساختار تولید و معیشت باید متحول گردد و برای رفع فقر در روستا چاره اندیشی شود؛ چرا که بر اساس شواهد، روستاییان در عین سخت کوشی و تلاش و شغال بودن و به رغم اینکه روزانه ۱۲ ساعت در امور کشاورزی و دامداری فعالیت می کنند، باز هم فقیر هستند. پس مشکل اصلی را در جای دیگر باید ریشه یابی کرد و راه حلی برای آن یافت. در غیر این صورت، این مشکل سرانجام چنان می شود که تنها چاره ممکن مهاجرت خواهد بود.



مقدمه

مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرایند توسعه اقتصادی اجتماعی به حساب می آید و جایگاهی بی سابقه انسانها در روستاهای یک کشور، جزء بزرگترین تغییراتی است که در قرن بیستم رخ داده است. مهاجرت از مناطق روستایی به سوی شهرها در اغلب کشورها مشاهده می شود، لیکن شیوه آن در کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته تفاوت دارد. با مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار از بخش کشاورزی به بخشهای غیررسمی و نیز رسمی بخش خدمات انتقال می یابد و درصد کمی نیز در بخش صنعت به فعالیت می پردازند. در واقع در این کشورها، نیروی کار مازاد، که در سایر بخشها امکان فعالیت نمی یابد با مهاجرت کردن، وارد بخش خدمات شده، موجب گسترش بیش از حد متعارف این بخش می گردد. در کشورهای صنعتی جریان مهاجرت به صورت تدریجی و همگام با تحولات لازم در بخش صنعت و دیگر بخشها صورت گرفته است. تغییر نسبت جمعیت شهرنشین در کشورهای توسعه یافته، از نزدیک به دو قرن پیش شروع شده و اکنون با نرخ کمتری ادامه دارد. روستاهای ممالک توسعه یافته، تفاوت ماهوی با روستاهای ممالک توسعه نیافته دارند. به علاوه نسبت جمعیت شهرنشین نیز در کشورهای اخیر در حال تغییر است. نسبت جمعیت

کار مهاجر به واقع در مبدأ، کارا نیست و نسبت به سایر منابع و نهادهای تولید، مانند سرمایه، مازاد محسوب می شود. از سوی دیگر، اگر نیروی کار به هر دلیل اقدام به مهاجرت کرد، مقصد باید توان جذب آن را داشته باشد و بتواند به نحو کارا از آن بهره مند شود، در حالی که به نظر می رسد در کشور ما این اتفاق نیفتاده و نیروی کار پس از چند سال در مناطق شهری نیز دچار مازاد گشته و بیشتر جذب بخشهای خدماتی شده است.

در این بررسی، ضمن تصویر کردن روند تحولات جمعیت، به مباحث نظری مهاجرت بصورت بسیار کلی اشاره شده و تا حد ممکن سعی می گردد با استفاده از اطلاعات، تحلیلی اقتصادی از آنچه رخ داده و می دهد ارائه گردد و به علل عمده مهاجرت در منطقه کجور پرداخته شود.

بررسی جریان تحولات جمعیت شهری و روستایی کشور، شهرستان و شهر نوشهر و بخش کجور طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵^۲

تغییرات جمعیت در یک دوره کوتاه مدت، متأثر از تغییراتی است که در گذشته اتفاق افتاده و به همین

شهری در جهان در سال ۱۳۷۱ به ۴۴/۶ درصد رسیده بود، یعنی در آن سال بیشتر از نصف جمعیت در روستاها زندگی می کردند، اما در کشورهای آسیایی و در حال توسعه این نسبت در حال تغییر است. پدیده مهاجرت، مانند هر پدیده دیگر اجتماعی از جوانب گوناگون قابل بررسی و تعمق است. این پدیده را می توان از زوایای اقتصادی، جامعه شناسی، روان شناسی و... بررسی و تحلیل کرد. آنچه مسلم است مهاجرت با هر تحلیل به خودی خود نکوهیده یا پسندیده نیست.

مهاجرت دارای آثاری است که به دو بخش قابل تقسیم است: آثار آن بر روی مبدأ مهاجرت و آثار آن بر روی مقصد مهاجرت. در مورد مهاجرت از روستا به شهر، نوع دیگری نیز قابل تصور است و آن برابند آثار دوگانه مهاجرت و تأثیر آن بر مسائل کلان کشور است. از نظر اقتصادی اگر مهاجران در مبدأ دارای کارایی باشند، به سبب مهاجرت از کارایی شان کاسته می شود و تغییراتی در هزینه های تولید در روستا حادث می شود؛ اما از آنجا که در صورت وجود کارایی، نیروی کار اقدام به مهاجرت نمی کند، می توان گفت نیروی

مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرایند توسعه اقتصادی اجتماعی به حساب می آید و جایگاهی بی سابقه انسانها در روستاهای یک کشور، جزء بزرگترین تغییراتی است که در قرن بیستم رخ داده است. مهاجرت از مناطق روستایی به سوی شهرها در اغلب کشورها مشاهده می شود، لیکن شیوه آن در کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته تفاوت دارد. با مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار از بخش کشاورزی به بخشهای غیررسمی و نیز رسمی بخش خدمات انتقال می یابد و درصد کمی نیز در بخش صنعت به فعالیت می پردازند.

ترتیب، تغییرات فعلی رشد جمعیت در تغییرات آینده، مؤثر خواهد بود. اگر در یک دوره ۵ ساله تعداد متولدین، با نرخ بالا افزایش یابد و در دوره مشابه بعدی همین شاخص به نحو چشمگیری کاهش پیدا کند، نمی توان با مقایسه دو نسبت چنین نتیجه گرفت که نرخ رشد جمعیت کاهش یافته است. تغییرات

جمعیت دارای افت و خیزهایی است که از گذشته تأثیر پذیرفته است. اثر متولدین زیاد یا کم در یک دوره کوتاه در حدود یک نسل بعد، بروز خواهد کرد و لذا نرخ رشد کل جمعیت، کمیتهی است که باید در دوره‌های طولانی مدنظر قرار گیرد.

تعداد نفوس کل کشور طی دوره ۴۰ ساله و نرخ رشد آن در جداول ۲ و ۱ مشاهده می‌گردد. براساس این آمار، جمعیت کشور از ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است که بیانگر رشد متوسط سالیانه ۲/۹۲ درصدی است. به دیگر سخن، طی دوره مذکور، جمعیت کشور حدود ۳/۲ برابر شده است. در همین دوره، جمعیت شهر نوشهر از ۲۷۱۷ نفر با متوسط نرخ رشد سالیانه ۶/۶ درصد به ۳۵۱۳۳ نفر رسیده است. به عبارت دیگر، جمعیت این شهر حدود ۱۳ برابر شده که با توجه به متوسط رشد سالیانه جمعیت شهری در کل کشور که ۴/۶ درصد است بر مهاجرت پذیری این شهر دلالت دارد و عمده دلیل آن، وجود پتانسیلها و جاذبه‌های زیادی است

که بررسی آنها در اینجا ممکن نیست.

طی دوره مذکور، جمعیت بخش کجور از شهرستان نوشهر از ۲۰۱۶۱ نفر با ۳۴۴۱ نفر کاهش به ۱۶۷۲۰ نفر تقلیل یافت، در حالی که به رغم مهاجرت روستاییان در کشور، جمعیت روستایی کشور نیز در دوره مورد بررسی حدود دو برابر شده است. به عبارت دیگر، حتی با فرض انجام مهاجرت در این منطقه به اندازه نرخ مهاجرت روستایی کشور، جمعیت کجور می‌بایست به ۴۰ هزار نفر می‌رسید. این موضوع بیانگر نکات مهمی است که از جمله آنها عدم توجه بایسته و شایسته به این منطقه است. گویا این منطقه سهمی از منافع ملی ندارد. در جدول ۲ متوسط نرخ رشد سالانه کل جمعیت کشور، جمعیت شهری و جمعیت روستایی در کشور، نوشهر و بخش کجور به نمایش گذاشته شده است. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نرخ رشد جمعیت در شهرها طی دوره‌های مذکور متفاوت است؛ اما در هر حال بیشتر از مناطق روستایی است. همچنین تغییرات نرخ‌های رشد

جمعیت روستایی و شهری هم جهت است و در نتیجه می‌توان گفت همبستگی شدیدی بین تغییرات جمعیت شهری و روستایی وجود دارد. تغییرات نرخ رشد جمعیت روستایی به طور نسبی از همین نرخ برای شهرها بیشتر است و بنابراین می‌توان گفت که برخی عوامل مؤثر بر تغییرات جمعیت روستایی «دفعاً» تأثیر گذاشته و تأثیرگذاری «تدریجی» نداشته‌اند. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی در دوره ۷۵-۱۳۳۵، ۱/۴۶ درصد است که کمتر از نصف متوسط رشد سالانه جمعیت کل کشور در همین دوره محسوب می‌شود. در حالی که نرخ رشد جمعیت در بخش کجور ۰/۵- درصد است.

این بخش در واقع نه فقط رشد نداشته، بلکه جمعیتش کاهش یافته و برعکس آن، شهر نوشهر که اصلی‌ترین مقصد مهاجرین بوده، دارای رشد بسیار فزاینده و در مقاطعی نیز تا دو برابر نرخ رشد جمعیت شهری کشور، رشد داشته است. مهاجرت در تمامی روستاهای منطقه کجور به یک

جدول ۱- مقایسه جمعیت شهری و روستایی کشور، شهرستان و شهر نوشهر و بخش کجور

طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵

واحد: نفر

ردیف	سال	شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۱	جمعیت شهری کشور	۵۹۵۳۵۶۳	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۳۶۸۱۷۷۸۹	
۲	جمعیت روستایی کشور	۱۳۰۰۱۱۴۱	۱۵۲۸۴۶۷۷	۱۷۸۵۴۰۶۴	۲۲۶۰۰۴۴۹	۲۳۲۳۷۶۹۹	
۳	جمعیت کل کشور	۱۸۹۵۴۷۰۴	۲۵۰۷۸۹۲۳	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	
۴	جمعیت شهرستان نوشهر	۸۰۷۰۱	۱۱۰۲۵۱	۱۴۶۷۹۹	۲۰۹۱۷۲	۲۱۴۷۵۳(*)	
۵	جمعیت شهر نوشهر	۲۷۱۷	۹۰۱۶	۱۶۲۶۳	۲۸۲۱۶	۳۵۱۳۳	
۶	جمعیت بخش کجور	۲۰۱۶۱	۱۵۳۸۳	۱۸۳۶۸	۱۹۲۸۲	۱۶۷۲۰	

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای مذکور.

* افزایش اندک جمعیت سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ به دلیل انتزاع جمعیت شهر علمده و همچنین بر دهستانهای کالج، کلرودپی، علویکلا و کجورستان از این شهرستان و الحاق آنها به شهرستان نور است.

جدول ۲. مقایسه متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت بر حسب مناطق شهری و روستایی کشور با بخش کجور

واحد: درصد

دوره زمانی	کل کشور	مناطق شهری کشور	مناطق روستایی کشور	شهر کجور	بخش کجور
۱۳۳۵-۴۵	۳/۱	۵/۱	۲/۱	۱۲/۷	-۲/۷
۱۳۳۵-۵۵	۲/۷	۴/۹	۱/۱	۶/۱	۱/۸
۱۳۵۵-۶۵	۳/۹	۵/۴	۲/۳	۵/۷	۰/۵
۱۳۶۵-۷۵	۲/۵	۳/۵	۱/۱	۲/۲	-۱/۴
متوسط کل دوره	۲/۹۲	۴/۶۶	۱/۴	۶/۶	-۰/۵

مأخذ: سالنامه‌های آماری

بررسی قرار گرفت و برای سنجش توسعه یافتگی دهستانها با ساختن شاخصهای لازم از روش تاکسونومی عددی استفاده شد.

نتیجه محاسبات و سنجش توسعه دهستانها نشان داده که دهستان زانوس رستاق (کوهپرات) نسبت به دو دهستان دیگر در شرایط کاملاً بهتر و برتر قرار دارد. حال اگر این امر را در مقایسه با مهاجرت دهستانی مقایسه کنیم، مشاهده می‌گردد که علی‌رغم وجود شرایط بهتر توسعه‌ای در این دهستان، نسبت به

این گروه و میزان افزایش جمعیت آنها در دو مقطع به ترتیب در جدول ۵ آمده است.

ارتباط توسعه یافتگی و مهاجرت در دهستانهای این بخش^۲

بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵، ۸۶ قلم اطلاعات به تفکیک دهستانها که وضعیت برخورداری از خدمات زیربنایی، آموزش، اشتغال و نیروی انسانی را نشان می‌دهد و ۷۵ قلم اطلاعات در زمینه کشاورزی، دامداری، باغداری و ماشین‌آلات، مورد

صورت شکل نگرفته است. مهاجرت در موارد محدودی از روستایی به روستای دیگر در همین منطقه کوهستانی کجور بوده است. مثلاً مهاجرت از روستای لاشک به حسن آباد یا از روستای کیکوه به کینس که علت آن، شرایط خاص از جمله قرار گرفتن در مسیر اصلی جاده «کجور به نوشهر» و یا نزدیکتر بودن به شهر و داشتن شرایط نسبتاً بهتری برای مهاجرت پذیری بوده است. در موارد زیادی مهاجرت از روستاهای این منطقه به روستاهای جلگه‌ای شهرستان صورت گرفته و در مواردی نیز مقصد مهاجران شهرهای نوشهر، چالوس، علمده، نور و تهران بوده است. از منظر دیگر، روستاهای منطقه کجور را به لحاظ مهاجرت در دوره مورد بررسی می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱. روستاهایی که جمعیت آنها شدیداً کاهش یافته است. میزان کاهش جمعیت روستاهای شاخصی که در این گروه قرار می‌گیرند در سال ۱۳۷۵ نسبت به ۴۰ سال قبل در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌گردد.

۲- روستاهایی که جمعیت آنها در دو سرشماری تقریباً ثابت مانده است. روستاهای شاخص این گروه در جدول ۴ ملاحظه می‌گردد.

۳- روستاهایی که جمعیت آنها در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۳۵ افزایش یافته است. روستاهای شاخص



دو دهستان دیگر مهاجرت در آن نیز شدیدتر بوده است.

دهستان زانوس رستاق (کوهپرات) که از بین سه دهستان مورد نظر، توسعه یافته تر است، همچنان که در جدول ۶ ملاحظه می گردد در سال ۱۳۳۵ تعداد ۹۲۵۹ نفر جمعیت داشته است که با نرخ رشد متوسط سالیانه حدود ۱- درصد جمعیتش به ۶۲۴۱ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است؛ در حالی که دهستان پنجک رستاق که به لحاظ توسعه یافتگی بعد از این دهستان قرار دارد، جمعیت آن از ۴۲۲۲ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۷۰۴ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که فقط افزایش امکانات زیربنایی و توجه صرف به برخی از مؤلفه ها نمی تواند در جلوگیری از مهاجرت مؤثر باشد، بلکه این امر باید به صورت جامع دیده شود و کاهش فاصله توسعه- یافتگی در سطح کلان و خرد به حداقل ممکن برسد، در غیر این صورت هر چه در زمینه توسعه در مناطق روستایی کار شود، جمعیت روستایی با احساس فاصله نسبت به شهر، اقدام به مهاجرت می کند. شاهد این ادعا، روند تغییرات جمعیتی دهستانهای این بخش است. مطالعه صورت گرفته، بیانگر این است که در دهه ۶۵-۱۳۵۵ جمعیت دهستان زانوس رستاق (کوهپرات) تقریباً ثابت مانده و کاهش آن اندک و حدود ۱۵۰ نفر بوده است؛ اما به رغم اقدامات صورت گرفته در دهه ۷۵-۱۳۶۵ جمعیت آن بیش از ۱۰۰۰ نفر کاهش یافته که این امر نشان دهنده نیاز به برخورداری از سطح خدمات اجتماعی، رفاهی، اقتصادی و فرهنگی در روستاها به اندازه شهر و یا نزدیک به آن است. به بیان دیگر باید سعی گردد از فاصله بین شهر و روستا در تمام ابعاد کاسته شود. البته اگر چه در پاره ای موارد این امر امکان پذیر نیست، لیکن می توان از طریق کمکهای جبرانی به این هدف دست یافت. با توجه به مباحث ذکر شده در ادامه، ضمن بررسی مباحث نظری در باب مقوله مهاجرت به علتهای عمده آن می پردازیم.

جدول ۳- مقایسه جمعیت روستاها در دو مقطع سرشماری که کاهش جمعیت داشته اند

واحد: نفر

روستا	تعداد جمعیت		تفاضل جمعیت
	۱۳۳۵	۱۳۷۵	
لاشک	۷۹۴	۷۵	-۷۱۹
اوایل	۹۴۷	۲۷۰	-۶۷۷
کدیر	۷۱۱	۱۰۰	-۶۱۱
لرگان	۸۷۱	۳۸۹	-۴۸۲
نیمور	۶۱۷	۱۴۲	-۴۷۵
کوهپرس سفلی	۵۵۸	۲۲۰	-۳۳۸
کیاکلا	۲۸۳	۶۷	-۲۱۶
صالحان	۷۵۱	۵۳۸	-۲۱۳
لشکنار	۳۹۲	۱۸۰	-۲۱۲
انگیل	۳۶۹	۱۵۷	-۲۱۲

جدول ۴- مقایسه روستاها در دو مقطع سرشماری که جمعیت آنها تقریباً ثابت مانده است.

واحد: نفر

روستا	تعداد جمعیت		تغییرات جمعیت
	۱۳۳۵	۱۳۷۵	
حیرت	۳۸۶	۳۸۵	-۱
زانوس	۱۹۲	۱۹۰	-۲
پیچلو	۱۴۱	۱۴۴	+۳
کیاکلا	۱۱۷	۱۲۰	+۳
چورن	۲۸۸	۲۸۲	-۶
کندوسر	۵۴	۶۲	+۱۰
ویسر	۶۳	۵۳	-۱۰

فقط افزایش امکانات زیربنایی و توجه صرف به برخی از مؤلفه ها نمی تواند در جلوگیری از مهاجرت مؤثر باشد. بلکه این امر باید به صورت جامع دیده شود و کاهش فاصله توسعه- یافتگی در سطح کلان و خرد به حداقل ممکن برسد. در غیر این صورت هر چه در زمینه توسعه در مناطق روستایی کار شود، جمعیت روستایی با احساس فاصله نسبت به شهر، اقدام به مهاجرت می کند.

جدول ۵ - مقایسه جمعیت روستاها در دو مقطع سرشماری که افزایش جمعیت داشته‌اند

واحد: نفر

روستا	تعداد جمعیت	
	۱۳۴۵	تغییرات جمعیت
منچیر	۱۷۲	۵۰۹
کینج	۲۷۷	۵۵۹
ناصرآباد	۲۰۴	۴۳۵
نیچکوه	۲۵۷	۴۶۷
کینس	۳۵	۲۳۰
عالیدره	۲۴۸	۴۴۱
دشت نظیر	۱۲۵	۳۱۲
چتن	۴۴۲	۶۰۸

جدول ۶ - مقایسه روند جمعیت دهستانهای بخش کجور طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵

واحد: نفر

سال سرشماری	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
بخش کجور	۲۰۱۶۱	۱۵۳۸۳	۱۸۳۶۸	۱۹۲۸۲	۱۶۷۲۰
دهستان توابع کجور	۶۶۸۰	۵۰۱۸	۵۷۴۶	۵۹۵۹	۴۷۷۵
دهستان پنجک رستاق	۴۲۲۲	۶۵۶۰	۷۲۸۳	۸۱۳۶	۵۷۰۴
دهستان زاتوس رستاق (کوهبرات)	۹۲۵۹	۳۸۰۵	۵۳۳۹	۵۱۹۷	۶۲۴۱

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سالهای مذکور

مباحث نظری و تئوریک در باب مهاجرت

اندیشمندان و صاحب نظران در خصوص علل و انگیزه مهاجرت نظرهای متعددی ارائه داده‌اند که حسب وارد بودن نظریات مذکور با مباحثی که می‌توان در خصوص مهاجرت از «کجور» بیان داشت، کلیاتی از این نظریه‌ها مطرح می‌گردد: در رهیافت سیستمی^۴، مهاجرت نیز سیستمی اجتماعی- فرهنگی است.

در این نظریه، خرده سیستمها، خانواده و جامعه^۶ روستایی کنترل کننده هستند. خانواده، مهاجران

بالقوه را حداقل تاهنگام بلوغ، از حرکت باز می‌دارد. جمعیت مناطق، متأهل یا مجرد بودن، نقش هر یک از دو جنس در فعالیت کشاورزی، سن ازدواج، و استقلال اقتصادی خانواده، از عوامل مهم تعیین کننده مهاجرت افراد هستند که به خانواده مربوط می‌شوند.

یک اجتماع روستایی نیز می‌کوشد وضع اقتصادی را از طریق کشاورزی بهبود بخشد که در این صورت ممکن است دست کم در کوتاه مدت مانع مهاجرت دائم شود؛ اما یک اجتماع روستایی که بر پیشرفت اجتماعی از طرق مختلف مثل

در رهیافت سیستمی، مهاجرت نیز سیستمی اجتماعی- فرهنگی است.

در این نظریه، خرده سیستمها، خانواده و جامعه روستایی کنترل کننده هستند. خانواده، مهاجران بالقوه را حداقل تاهنگام بلوغ، از حرکت باز می‌دارد. جمعیت مناطق، متأهل یا مجرد بودن، نقش هر یک از دو جنس در فعالیت کشاورزی، سن ازدواج، و استقلال اقتصادی خانواده، از عوامل مهم تعیین کننده مهاجرت افراد هستند که به خانواده مربوط می‌شوند.



تحصیلات و... تأکید دارد ممکن است ناخواسته مهاجرت به شهر را تشویق کند. تصمیم مهاجران به حرکت، ساز و کار سازگاری را به دنبال دارد. در روستا، این ساز و کار باید طوری عمل کند که به افزایش درآمد سالانه در اجتماع بینجامد. از نکات بارز رهیافت سیستمی این است که مهاجرت روستا-شهری را نه به عنوان یک حرکت خطی، یک جهتی، رانشی - کششی یا علت و معلولی، بلکه به مثابه یک حرکت دوار با وابستگی متقابل و پیچیده تلقی می‌کند که در آن، تغییرات در هر قسمت می‌تواند بر کل سیستم اثر بگذارد.^۵ از نظر مکتب کارکرد گرایان که از دیدگاه‌های اصلی جامعه‌شناسی در سالیان اخیر است و اساس تحلیل‌های کارکردی آن نیز با اتکاء بر نظریه سیستمی به عمل می‌آید، مهاجرت تغییری است که به علت نبود تعادل اجتماعی، اقتصادی در مناطق مختلف صورت

می‌گیرد. البته این تغییر در جهت ایجاد تعادل، حادث می‌شود، آن‌هم در سطحی بالاتر که کارکرد مثبت دارد. بنابراین براساس این نظریه، می‌توان نقش خانواده و اجتماع روستاهای کجور را در

برخورد (گزینش یا عدم گزینش) مهاجرت به وضوح مشاهده کرد.

در چارچوب نظریات کلاسیک، مهاجرت عمدتاً^۶ از بطن تصمیم‌گیری، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که ضمن به دنبال داشتن هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی، جریانی از منافع

در رهیافت معیشتی، صاحب‌نظران معتقدند که در پدیده مهاجرت مابا انسانهایی سر و کار داریم که در یک تجزیه و تحلیل همه‌جانبه از وضع موجود خویش، مهاجرت را به عنوان راهبردی برای بقاء و استمرار خود انتخاب می‌کنند.

اقتصادی نیز ایجاد می‌کند.^۶ مهاجرت در چارچوب نظریه‌های مارکسیستی، در بطن شیوه‌های گوناگون تولید که سازمان اجتماعی یک کشور را تشکیل می‌دهند تحلیل می‌شود. در چنین تحلیلی، شیوه سرمایه‌گذاری تولید مسلط می‌شود و شیوه‌های قدیمی را به کنار می‌زند،

بدین ترتیب که روابط سرمایه‌داری تولید کشاورزی به افزایش پولی شدن اقتصاد روستایی و اضمحلال بنیادهای مادی اکثریت دهقانان می‌انجامد و موجب مهاجرت روستاییان به شهر می‌شود.^۷ در رهیافت معیشتی، صاحب‌نظران معتقدند که در پدیده مهاجرت مابا انسانهایی سر و کار داریم که در یک تجزیه و تحلیل همه‌جانبه از وضع موجود خویش، مهاجرت را به عنوان راهبردی برای بقاء و استمرار خود انتخاب می‌کنند.^۸ در یک برداشت از مباحث نظری و درعین حال کلی که هر کدام در جای خود بحث‌های کارشناسی زیادی را می‌طلبد و از حوصله این گفتگو خارج است، می‌توان گفت: مهاجرت از روستا به شهر، فرایندی متأثر از عوامل متعدد است، از جمله تغییر در مناسبات تولیدی در اثر تغییرات در فناوری و تناقضهای ناشی از آن در ارتباط با مازاد نیروی کار که همزمان با شکاف فرهنگی ناشی از سرعت این تغییرات، ناتوان در کنترل سریع رشد جمعیت است و مازاد نیروی کار را به ناچار روانه شهرها می‌کند. از سوی دیگر، عدم برابری و توازن امکانات بین شهر و روستا،

تبادل موجود را بر هم می‌زند و افزایش ارتباطات و اطلاعات ناشی از رشد فناوری باعث آگاهی روزافزون روستاییان از وضعیت خود در مقایسه با دیگر نقاط، به ویژه شهرها می‌شود که بالطبع مهاجرت را به عنوان یک ساز و کار متعادل کننده در پی خواهد داشت. از نگاه دیگر در می‌بایم که هر سرپرست خانوار به دنبال تأمین معیشت مطلوب برای خانواده خود است و اگر احساس کند با ماندن در روستا، این وضعیت دوام و استمرار دارد قاعدتاً "تصمیم به مهاجرت نخواهد گرفت. از این رو برای یک خانوار روستایی مهاجرت در برهه‌ای از زمان به عنوان یک راهبرد بقا و راهکاری به منظور استمرار معیشت تلقی می‌گردد. با توجه به کلیات اشاره شده در ادامه مطالب به برخی از عوامل عمده مهاجرت به صورت تحلیلی تر پرداخته می‌شود:

علتهای مهاجرت از روستا به شهر

مهاجرت از روستا به شهر، نتیجه افزایش اختلاف در رشد بخشهای مختلف اقتصادی و دوگانگی‌های اقتصادی-اجتماعی بین شهر و روستا بوده در منطقه کجور این دوگانگی کاملاً آشکار است. اصولاً با تغییر فناوری و کاهش سهم نیروی کار در تولید کشاورزی که محور حیات در روستا محسوب می‌شود به مرور زمان، نیروی انسانی به بخشهای صنعت و خدمات انتقال می‌یابد. این جریان به همراه خود مهاجرت نیروی کار مازاد را از روستا به شهر در پی دارد؛ اما چنان که گفته شد پدیده مهاجرت در کشورها باهم متفاوت است بدین معنا که در کشورهای پیشرفته صنعتی، مراحل صنعتی شدن به صورت درونزا صورت گرفته و به مرور زمان ارتباط بین بخشهای اقتصادی تکامل یافته است، در حالی که کشورهای در حال توسعه، مراحل صنعتی شدن را به نحوی طی می‌کنند که ارتباط سازمان یافته‌ای بین بخشها برقرار نمی‌شود و یک توالی منطقی و تکمیلی بین آنها مشاهده نمی‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت که مهاجرت نیروی کار، نتیجه ناهمگونی بین بخشها است که در واقع خود معلول استراتژیهای نامناسب توسعه محسوب می‌شود. در این مورد، مهاجرت از منطقه کجور را می‌توان به عنوان فرار از تنگناها برای رسیدن به

حداقلهای زندگی تلقی کرد؛ چرا که محدودیت منابع در این منطقه و عدم سرمایه گذاری در ایجاد زیرساختها، امکان فعالیت را از مردم سلب کرده و آنها به ناچار وادار به مهاجرت و روی آوردن به کارهای خدماتی و حتی کاذب شده‌اند.

لذا عوامل گوناگونی برای مهاجرت از روستا به شهر می‌توان یافت که به دو قسمت قابل تقسیم هستند: عوامل رانش از روستاها و عوامل جذب کننده شهری. عوامل نوع نخست به طور خلاصه عبارتند از:^{۱۰}

■ پایین بودن سطح درآمد روستایی:

اصولاً با تغییر فناوری و کاهش سهم نیروی کار در تولید کشاورزی که محور حیات در روستاها محسوب می‌شود به مرور زمان، نیروی انسانی به بخشهای صنعت و خدمات انتقال می‌یابد. این جریان به همراه خود مهاجرت نیروی کار مازاد را از روستا به شهر در پی دارد؛ اما چنان که گفته شد پدیده مهاجرت در کشورها باهم متفاوت است بدین معنا که در کشورهای پیشرفته صنعتی، مراحل صنعتی شدن به صورت درونزا صورت گرفته و به مرور زمان ارتباط بین بخشهای اقتصادی تکامل یافته است، در حالی که کشورهای در حال توسعه، مراحل صنعتی شدن را به نحوی طی می‌کنند که ارتباط سازمان یافته‌ای بین بخشها برقرار نمی‌شود و یک توالی منطقی و تکمیلی بین آنها مشاهده نمی‌گردد.

- نبودن امکانات رفاهی (خدماتی، بهداشتی و آموزشی)،
- نبودن امکانات بازاریابی،
- افزایش نسبی هزینه تولید،

پایین بودن سطح درآمد روستایی^{۱۰}

در آمد روستاییان منطقه کجور معمولاً ناشی از تولید محصولات کشاورزی و دامی و در مواردی صنایع دستی و تبدیلی است. کوچک شدن قطعات زمین بنا به دلایل مختلف از جمله تقسیم اراضی بزرگ بین وراث، موجب شد درآمد حاصل از تولید محصولات کشاورزی کفاف هزینه‌های افراد وابسته به درآمدهای مزروعی را ندهد. در کنار مسأله فوق، مسأله دیگر، آن است که نرخ رشد قیمت محصولات کشاورزی

بانرخ رشد قیمت سایر فرآورده‌ها همگن نیست و این امر، موجب تقلیل سطح منافع و به دنبال آن، سطح زندگی کشاورزان شده است.

با تغییراتی که در ساختار اقتصادی کشور به وجود آمد به مرور زمان یک انتقال ثروت از روستا به شهر صورت گرفت. کالاهای ساخته شده روستایی دیگر پاسخگوی نیازهای تازه جامعه شهری نبود و رفته رفته صنایع دستی و تبدیلی روستایی نیز مطلوبیت خود را از دست داد و روستاها صرفاً تأمین کننده کالاهای خام کشاورزی شدند. حتی تولید بسیاری از محصولات کشاورزی نظیر محصولات دامی به شکلی صنعتی در حاشیه شهرها رایج شد. تولید به شیوه سنتی و بهره‌وری در سطح پایین و عدم آموزش و ترویج روشهای نو در منطقه کجور موجب شد که تولید کننده حتی در تولید مواد مصرفی خود نیز دچار مشکل شود. در کنار این امر، عدم امکان اشتغال و به تبع آن عدم کسب درآمد و عایدی برای امر معاش، کسانی را که به هر دلیل مهاجرت نکرده‌اند با مشکل مواجه کرده است و برای رهایی از این معضل و فقر، مهاجرت یک راه چاره به شمار می‌رود. یک خانوار روستایی در این منطقه با درآمد متوسط، بیش از ۵۰ درصد درآمدش را به خرید مایحتاج غذایی اختصاص می‌دهد.

نبودن امکانات رفاهی:

از دیگر تفاوت‌های شهر و روستا امکاناتی است که در شهر تقریباً به سهولت در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد، در حالی که مردم روستایی از آن محروم بودمانند و اکنون نیز این محرومیتها در منطقه کجور وجود دارد. این امکانات با هر نامی که بر روی آنها گذاشته شود، امروزه برای ادامه زندگی فردی و اجتماعی انسان لازمند و از جمله آنها می‌توان به خدمات آموزشی، آب سالم آشامیدنی، خدمات بهداشتی، وسایل ارتباطی، انرژی ارزان و تمیز و مسکن مناسب اشاره کرد. وجود امکانات فوق، شرط لازم و اطمینان به آینده و امنیت، شرط کافی ادامه زندگی در یک محیط است. کیفیت خدمات و امکانات رفاهی نیز در شهر و روستا تفاوت اساسی دارد. برای مثال برخورداری از مسکن در روستا به شهر بسیار متفاوت است. گذشته از نوع و شکل ظاهری و دوام

مسکن ملاحظه می‌شود که سرانه تعداد اتاق برای خانوارهای شهری و روستایی بر حسب تعداد اتاق توزیع متفاوتی دارد.

نبودن امکانات بازاریابی

گسترده‌گی و تکامل بازار موجب گردش سریعتر منابع مالی و تخصصی شدن تولید و همچنین ایجاد رقابت می‌شود که به دنبال خود، تنوع تولید و بهبود روشهای عرضه کالا را در پی خواهد داشت. روستاهای منطقه کجور که کشاورزی و دامداری در آنها محور فعالیت اقتصادی است نه فقط از بازار تکامل یافته و گسترده برخوردار نیستند، بلکه به نبود بازار محلی نیز دچارند. نبود امکانات ارتباطی، نبود تسهیلات لازم و کافی و نبود روشهای صحیح ترویج در زمینه‌های مختلف برای کشاورزان روستایی، از عوامل مؤثر در ناکارایی بازار روستایی است. در نتیجه، فعالیتهای تولیدی بیشتر خود مصرفی و معیشتی است، نه تجاری. در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت پیشرفتی در بازار محصولات روستایی صورت گیرد؛ زیرا کشاورزان به

ندرت تن به تغییراتی می‌دهند که توأم با خطر از دست دادن حداقل معیشت باشد. تحقق رشد اقتصادی براساس جریان بنیادی تولید - در آمد استوار است و معنای آن در نواحی روستایی عبارت است از: افزایش سود برگشتی به زراعت - و به بازاریابی کشاورزی و در مواردی به سایر فعالیتهای مهم صادراتی - همراه با افزایش فزاینده در آمد^{۱۱}.

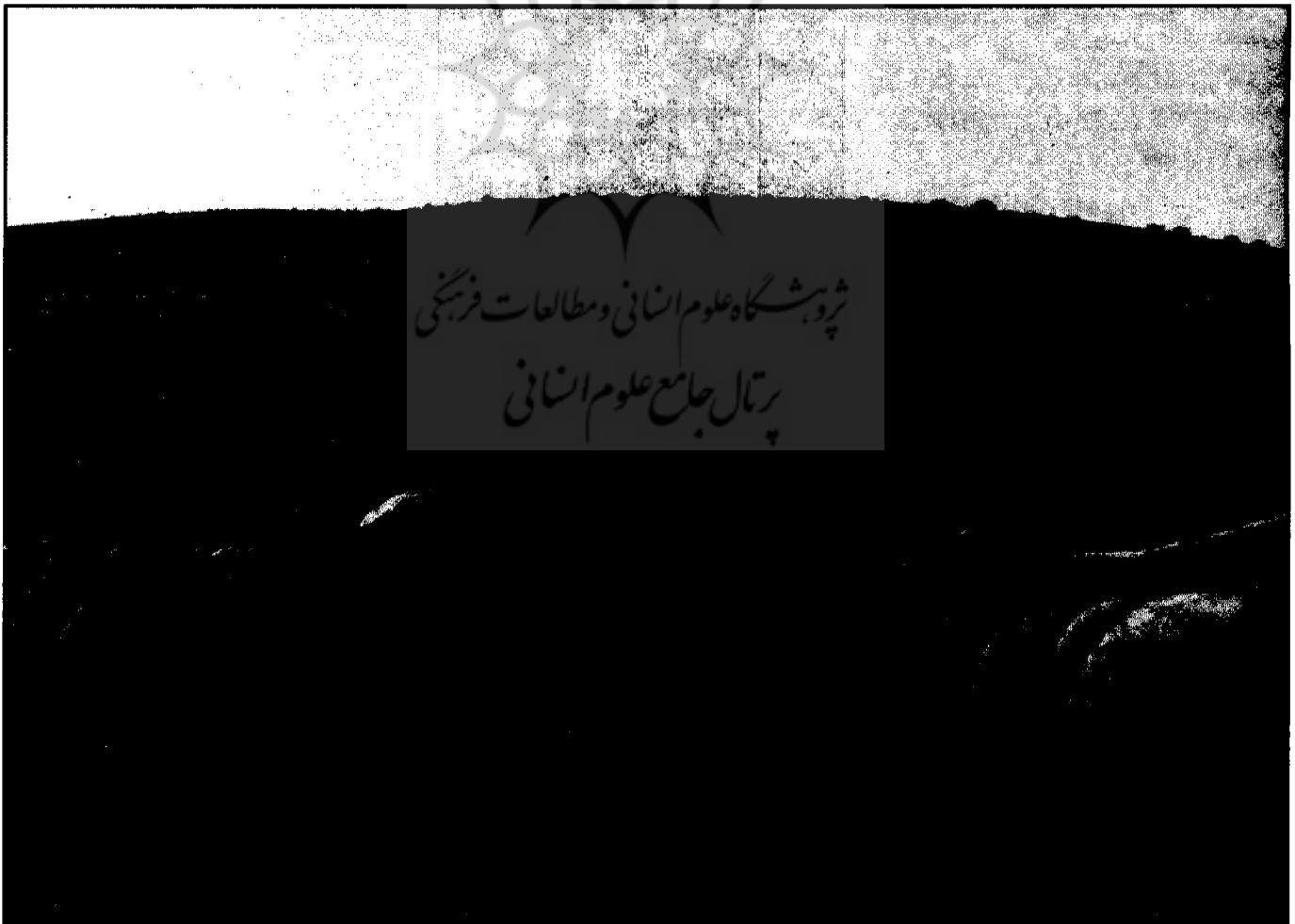
افزایش نسبی هزینه تولید:

هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی در منطقه کجور به دلیل دوری از شهر و کوهستانی بودن طی سالهای گذشته با نرخ فزاینده افزایش یافته است که این افزایش، بیش از دیگر نقاط کشور است. در این راستا، قیمت نهاده‌هایی که محصول کارخانه‌ای بوده و در نقاط شهری تولید می‌گردند بیشتر از هزینه کار و یا نهاده‌ها و تولیداتی است که در روستا تولید می‌شوند و در واقع، رابطه مبادله به نفع شهر بوده است. طی سالهای ۷۴-۱۳۶۴ هزینه‌های تولید با نرخ

بیشتری از قیمت محصولات افزایش یافته که این امر نهایتاً موجب فقیرتر شدن کشاورزان و به دنبال آن، فقر عمومی به ویژه در روستاهای این منطقه شده است.

در مورد محصولات دامی نیز و صنعت قیمتها به نحوی بوده که افزایش قیمتها منجر به افزایش سود تولید کننده روستایی نشده است. نهاده‌های یارانه‌ای یا در این منطقه وارد نشده یا در سطح بسیار محدود و با توزیع نامناسب بوده است. عوامل ذکر شده، حکایت از نارسایی در ساختار تصمیم‌گیری و برنامه ریزی دارد. می‌توان گفت که از دلایل عمده و عوامل ایجاد کننده زمینه مهاجرت، عدم تعادل سرمایه گذاری در زیر ساختها و زیربنای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق شهری و روستایی است. این عدم تعادل در منطقه کجور به شدت قابل مشاهده و کاملاً آشکار و عیان است.

به عبارت دیگر، در این منطقه نه فقط بحث عدم تعادل مطرح نیست، بلکه عدم توجه یا به فراموشی سپردن منطقه کجور عامل عمده مهاجرت است.



برخلاف برخی از تصورات، راحت طلبی و فزون خواهی، دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها نیست. در بررسی علل و عوامل بروز مهاجرت، عوامل متعددی دخیل هستند و فقط یک متغیر را نمی توان مؤثر دانست.

در مهاجرت، مسائل مختلف اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، علمی در هم تنیده اند و برای چاره اندیشی باید مسائل مذکور به شکل نظام مند و هدفمند دیده شوند. بحث جاذبه - دافعه در مهاجرت بسیار حائز اهمیت است و استراتژی روشن در این زمینه باید مقابله با کاهش دافعه در روستاها به عنوان مبدأ مهاجرت و کاهش گرایش به سمت جاذبه های شهری باشد. در مبدأ مهاجرت، فشارهای اقتصادی و اجتماعی و عدم احساس کارایی برای مهاجر مطرح است که هر کدام از این موارد نیاز به تعیین وزن در مقاطع زمانی و مکانی خاص دارد. حداقل کار ممکن، ایجاد اشتیاق و زمینه های لازم برای حفظ جمعیت فعلی است؛ گر چه در بحث آمایش سرزمین، سازماندهی فضایی و پراکنش متناسب جمعیت در عرصه سرزمین حتی به این حد هم قانع نبوده و به دنبال توزیع بهینه جمعیت می باشد.

با توجه به مباحث نظری، گر چه هم اینک بسیاری از دلایل مهاجرت را به عوامل اجتماعی نسبت می دهند و بر این اساس، کمبود یا فقدان امکانات در روستاها در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد و جاذبه های کاذب و واقعی شهر نقش اساسی در مهاجرت به شهر ایفا می کند، ولی در خصوص مهاجرت از منطقه کجور، عوامل اجتماعی و کمبود یا فقدان امکانات زیربنایی و عوامل اقتصادی و فرهنگی توأمان در مهاجر فرستی منطقه مؤثرند.

در منطقه کجور مهمترین مسأله، عدم امکان گذران عادی زندگی و معیشت و نبود اشتغال و درآمد - حتی در حد پایین و حداقل انتظار - و فقر است. بسیاری از شاغلین این منطقه، فقیر هستند و هنوز دلایل مهاجرت از این منطقه را نمی توان به جاذبه های شهری نسبت داد. مقوله فرهنگی، علت بعدی در اخذ تصمیم به مهاجرت از منطقه است.

مهاجرت روستایی فی نفسه یک پدیده منفی نیست و واکنشی طبیعی و ارگانیک به تغییر در نظام اجتماعی و سازمان اقتصادی است. در واقع شاید تنها چاره

در مبدأ مهاجرت، فشارهای اقتصادی و اجتماعی و عدم احساس کارایی برای مهاجر مطرح است که هر کدام از این موارد نیاز به تعیین وزن در مقاطع زمانی و مکانی خاص دارد. حداقل کار ممکن، ایجاد اشتیاق و زمینه های لازم برای حفظ جمعیت فعلی است، گر چه در بحث آمایش سرزمین، سازماندهی فضایی و پراکنش متناسب جمعیت در عرصه سرزمین حتی به این حد هم قانع نبوده و به دنبال توزیع بهینه جمعیت می باشد.

ممکن برای رهایی از معضلات و مشکلات، تصمیم به مهاجرت از سوی خانوار باشد. بنابراین نگرش منفی به آن و یا تلاش برای متوقف ساختن مهاجرت بیهوده است. ایجاد تعادل در نظامات اجتماعی و اقتصادی از طریق ساز و کارهای موجد تعادل در امکانات شهر و روستا امکانپذیر است. توجه به ظرفیتهای و پتانسیلهای تولیدی منطقه، استقرار صنایع جدید غیربومی، ایجاد زیر بناها و زیر ساختهای لازم برای جذب سرمایه گذارهای مورد نیاز، ایجاد تمهیدات و اعطای تسهیلات ویژه برای انجام سرمایه گذاری، اقداماتی است برای مقابله اصولی و علمی با پدیده مهاجرت فرستی منطقه کجور.

منابع و ماخذ

- ۱- انجمن فرهنگی کجور، مقدمه ای بر آشنایی با منطقه کجور، سال ۱۳۷۷
- ۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، سال ۱۳۳۵.
- ۳- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، سال ۱۳۴۵.
- ۴- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، سال ۱۳۵۵.
- ۵- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، سال ۱۳۶۵.
- ۶- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، سال ۱۳۷۵.
- ۷- سرشماری تفصیلی نفوس و مسکن، شهرستان نوشهر ۱۳۳۵.
- ۸- سرشماری تفصیلی نفوس و مسکن، شهرستان نوشهر ۱۳۴۵.
- ۹- سرشماری تفصیلی نفوس و مسکن، شهرستان نوشهر ۱۳۵۵.
- ۱۰- سرشماری تفصیلی نفوس و مسکن، شهرستان نوشهر ۱۳۶۵.
- ۱۱- سرشماری تفصیلی نفوس و مسکن، شهرستان نوشهر ۱۳۷۵.
- ۱۲- تقسیمات سیاسی کشوری در سال ۱۳۷۵.
- ۱۳- پالوج، مجتبی، معرفی اجمالی شرایط محیطی و شاخصهای برخورداری در دهستانهای بخش کجور، تابستان ۱۳۷۹.
- ۱۴- کوششی، مجید، نگرشی سیستمی در مطالعه مهاجرت، دانشگاه تهران.
- ۱۵- مابو گنجی، آیین، ال. "رهیافت سیستمی در

مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر* نظرات مهاجرت، ترجمه حمید خضرنجات.

۱۶ و ۱۷- هاوارد و کینگ، اقتصاد سیاسی مارکس - گروه لانگ من- لندن ۱۹۷۵

Howard, M.C and King J. E The Political Economy of marx. Longman Group Limited 1975.

۱۸- بازنگری اساسی بر مقاله مهاجرت و معیشت پایدار- گزارش کاری

MCPOWELL. C: and Hann 1998.

۱۹- تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۵.

۲۰- هزینه بودجه خانوار، مراکز آمار ایران.

۲۱- آورم بن دیوید-وال، برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی، فائو، مرکز تحقیقات روستایی ۱۳۷۴.

۲۲- یافته‌های میدانی

پی‌نوشتها

۱- انجمن فرهنگی کجور، مقدمه‌ای بر آشنایی با منطقه کجور، سال ۱۳۷۷.

۲- ارقام مربوط به این قسمت از سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی سالهای مختلف استخراج گردیده است.

۳- پالوج، مجتبی، معرفی اجمالی شرایط محیطی و شاخصهای بر خورداری در دهستانهای بخش کجور، تابستان ۱۳۷۹

۴- کوششی. مجید، نگرش سیستمی در مطالعه مهاجرت، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۵- مایو. گنجی، آکین، ال رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر، ترجمه خضرنجات.

6 - Howard, M.C and King J. E The Political Economy of marx. Longman Group Limited 1975.

۷- (اقتصاد سیاسی مارکس ، گروه لانگ من) Longman Group Limited 1975.

۸- بازنگری اساسی بر مقاله مهاجرت و معیشت پایدار MCPOWELL. C: and Hann 1998.

۹- تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۵

۱۰- نتایج ارائه شده از یافته‌های مطالعاتی است که از گزارشهای هزینه و بودجه خانوار، مراکز آمار ایران استخراج گردیده و نتیجه آن تعمیم یافته است.

۱۱- آورم بن دیوید-وال، برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی، فائو، مرکز تحقیقات روستایی، ۱۳۷۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی